

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ادبی

در امتداد نور

آبان ۱۴۰۴

شماره چهارم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نشریه	نوع سند
گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ادبی در امتداد نور	عنوان
حسین حق گو	سردبیر و مدیر مسئول
فائزه ریاحی / فاطمه حسینی / علی عقیدی / سید ساجد هاشمی / راضیه انوری نژاد	نگارندگان
خانه طراحان دانشجویی میعاد (امیر حسین قربانی / حوراملکیان)	طراح و صفحه ارا
سال دوم / شماره چهارم / آبان ۱۴۰۴	تاریخ انتشار
۷۴۷ / ک ن ش	شماره نشریه



- ۱ خدای دانشکده من
- ۲ خشونت مجازی یا خشونت کلامی
- ۶ فیروزه ای در خاندان اهل بیت
- ۸ تسخیر لانه جاسوسی، تجلی جهاد ابتدایی علیه استکبار جهانی
- ۱۲ اسوه مقاومت

خدای دانشکده من

و تو مرا سخت می فشاری...!
ثانیه ثانیه های عمرم را با ترازوی تو می سنجم
حرف هایم را بی آن که بخواهم به حرف تو می بندم
و صدایم را می کشم در عمق صدایت
و گره میزنم زنجیره ی نگاهم را در ضریح چشم هایت
و دست هایم
دست هایم را می آویزم به ریسمانی از عشق
و پایم را به دنبال دلم می کشانم
تا خودم را غرق کنم در عمق کلامت
هر روز کلامت را القلقه زبانم می کنم
تا شاید تو بخواهی و به جانم بنشیند!
به یاد تو شب ترسانم و به نام تو روز می گذرانم!
تو مرا سخت می فشاری
و من
من آکنده می شوم از رنج!
دل کنده از سختی!
بی آن که بدانم در آغوش توام
بی آن که بدانم تو به من نزدیکی
و بی آن که بدانم تو به من می خندی!
من از امروز هر روز ثانیه ثانیه های عمرم را
نفس هایم را
با ترازوی تو می سنجم
و می دانم که در آغوش توام
تو به من می خندی
و من به تو می بالم.....!
دلم گرم است...!
با تو آرامم!



خشونت مجازی یا خشونت کلامی

مقدمه

در روزگاری که بیشتر ارتباطات ما از پشت صفحه‌ی گوشی و لپ‌تاپ شکل می‌گیرد، شبکه‌های اجتماعی به میدان اصلی گفت‌وگو، تبادل نظر و حتی دعوا تبدیل شده‌اند. دیگر برای بیان نظر یا مخالفت، نیازی به حضور فیزیکی نیست؛ کافی است چند کلمه بنویسیم تا حرفمان در کسری از ثانیه به گوش صدها نفر برسد. اما در همین دنیای مجازی که قرار بود ما را به هم نزدیک‌تر کند، نوعی از خشونت آرام و پنهان رشد کرده است.

خشونت کلامی

خشونتی که نه صدایی دارد و نه خون می‌ریزد، اما روح را زخمی می‌کند. گاهی یک جمله‌ی تمسخرآمیز یا یک کامنت توهین‌آمیز، تأثیری دارد که از ضربه‌ی فیزیکی هم ماندگارتر است. پرسش مهم اینجاست: چرا در فضای مجازی، برخی افراد با بی‌احترامی و پر خاش رفتار می‌کنند؟

تعریف و انواع خشونت کلامی

خشونت کلامی به هر نوع استفاده از واژه یا جمله‌ای گفته می‌شود که باعث تحقیر، تهدید، توهین یا تمسخر دیگری شود. این نوع خشونت می‌تواند مستقیم باشد، مانند ناسزا گفتن و تمسخر آشکار، یا غیرمستقیم، مثل کنایه، برچسب‌زنی و طعنه‌های ظریف است.

در فضای شبکه‌های اجتماعی، شکل‌های مختلفی از خشونت کلامی دیده می‌شود؛ از حمله به چهره‌های مشهور و سیاسی گرفته تا توهین به کاربران عادی به خاطر نظر یا سلیقه‌شان. در بسیاری از موارد، تفاوت میان «انتقاد سازنده» و «خشونت کلامی» نادیده گرفته می‌شود. انتقاد یعنی تحلیل رفتار یا دیدگاه فرد دیگر برای اصلاح آن، اما خشونت کلامی یعنی حمله به شخصیت و ارزش‌های او می‌باشد.

به بیان دیگر، خشونت همیشه مشتمل و لگد نیست؛ گاهی در قالب یک جمله‌ی کوتاه در بخش نظرات ظاهر می‌شود.

دلایل گسترش خشونت کلامی در شبکه‌های اجتماعی

یکی از اصلی‌ترین دلایل افزایش خشونت کلامی، پنهان بودن هویت واقعی کاربران است. وقتی فرد بداند کسی چهره یا نام واقعی‌اش را نمی‌شناسد، احساس مسئولیت اخلاقی کمتری می‌کند و وجدانش خاموش می‌شود. عامل دیگر، فقدان سواد رسانه‌ای است. بسیاری از کاربران نمی‌دانند چگونه در فضای مجازی با احترام گفتگو کنند یا تفاوت میان طنز، نقد و توهین را تشخیص دهند. از سوی دیگر، فشارهای روانی و اجتماعی نیز نقش مهمی دارند. در جامعه‌ای که افراد با مشکلات اقتصادی، اضطراب یا بی‌عدالتی مواجه‌اند، ممکن است خشم فروخورده‌ی خود را در فضای مجازی تخلیه کنند. در نهایت، الگوبرداری از فضای رسانه‌ای و سیاسی خشن هم بی‌تأثیر نیست. وقتی زبان مسئولان، چهره‌ها یا رسانه‌ها خالی از احترام و گفت‌وگو باشد، طبیعی است که این الگو به کاربران عادی نیز منتقل شود.

پیامدها و آسیب‌ها

خشونت کلامی، آسیب‌هایی عمیق‌تر از آنچه به چشم می‌آید به جا می‌گذارد. قربانیان چنین رفتارهایی ممکن است دچار افسردگی، اضطراب و کاهش اعتمادبه‌نفس شوند. در برخی موارد حتی شاهد کناره‌گیری افراد از فعالیت در فضای مجازی یا سکوت ناخواسته‌ی آن‌ها هستیم. از جنبه‌ی اجتماعی نیز، افزایش خشونت کلامی باعث کاهش اعتماد و همبستگی اجتماعی می‌شود. وقتی کاربران یاد بگیرند با پرخاش پاسخ دهند، گفت‌وگو از بین می‌رود و فضای مجازی به میدان جدل و توهین تبدیل می‌شود. در سال‌های اخیر، نمونه‌های زیادی از این رفتارها را دیده‌ایم؛ از حمله‌ی گروهی کاربران به هنرمندان تا توهین به کسانی که فقط دیدگاهی متفاوت داشته‌اند. باید پذیرفت که «زخم زبان» در دنیای مجازی هم می‌تواند خون‌ریزی داشته باشد؛ فقط دیده نمی‌شود.

راهکارها و نتیجه‌گیری

برای کاهش خشونت کلامی، قبل از هر چیز باید فرهنگ گفت‌وگوی محترمانه را تقویت کنیم. گفت‌وگو یعنی شنیدن قبل از قضاوت، احترام قبل از پاسخ است.

از سوی دیگر، آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند به نسل جدید پیام‌دزد که هر واژه در فضای مجازی مسئولیت دارد. پلتفرم‌ها نیز باید با ایجاد قوانین روشن و گزارش‌پذیر، جلوی انتشار توهین‌ها را بگیرند.

خانواده‌ها نیز نقش کلیدی دارند؛ اگر از کودکی به فرزندانمان یاد بدهیم که احترام به نظر دیگران نشانه ضعف نیست، بلکه نشانه‌ی رشد و بلوغ است، در آینده جامعه‌ای آرام‌تر خواهیم داشت.

در نهایت، این نکته را نباید فراموش کنیم که فضای مجازی، در واقع بازتابی از دنیای واقعی ماست. اگر در دنیای واقعی مهربان‌تر و صبورتر شویم، شبکه‌های اجتماعی هم رنگی انسانی‌تر خواهند گرفت.

اگر یاد بگیریم به جای فریاد، گفتگو کنیم، شاید شبکه‌های اجتماعی دوباره "اجتماعی" شوند. شاید ارتباطات دوباره مثل گذشته شود احساسات سرد و بی‌روح نباشد دنیا جای قشنگتری باشد تا یک جای سرد بدون ارتباط تاریک که هیچ‌کسی حوصله کسی را نداشته باشد.

بیایم برای هم دنیای قشنگتری بسازیم درگیر مجازی نشویم که هم خود و هم دیگران را گم کنیم.

علی عقیدی

کارشناسی مهندسی علوم و صنایع غذایی

بخش دوم

فیروزه ای در خاندان اهل بیت

سنگ فیروزه، شیء ای مبارک است؛ فیروزه، به ایران شهرت دارد و امام سجاد (ع) هم ایرانی تبار اند؛ از این رو این امام پر رحمت را همچو نگین فیروزه می بینم که بر رکاب انگشتی در قلب مان لانه گزیده اند.

سالروز میلاد خوش یمنِ امام علی ابن حسین (ع) مشهور به امام سجاد (ع) را، بر تمام مسلمین شاد باش عرض می کنم. در این روز مبارک، می خواهم اشاره ای مختصر به حضور پر برکت ایشان کنم.

امام، ادامه دهنده ی راه پدرشان، امام حسین (ع) هستند. امام حسین (ع) قیام کردند، قیامی که سراسر عزت را آموزش می دهد و سر تسلیم فرو آوردن به سمت شیطان زمانه را نفی می کند، همچنین الگویی برای مبارزه ی حق علیه باطل می شود.

امام سجاد (ع) دو کار مهم، بعد از قیام بر عهده داشتند؛ یک، روایتگری واقعیت و دیگری تبیین اهداف قیام اُمت است.

واقعۀ عاشورا بسیار سنگین و پرحادثه است؛ زمانی که امام حسین (ع) به شهادت نائل می شوند، امام سجاد (ع) به امامت می رسند در حالی که سخت بیمار هستند؛ تمام مردان بنی هاشم شهید و بانوان و کودکان به اسارت گرفته شده اند؛ در آن وضع وخیم، امام با تمام توان برای بهبود شرایط تلاش می کنند.

امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) با رجز خوانی ها و حق طلبی ها توانستند شرایط را بهبود داده و همگان را از بند اسارت، رهایی ببخشند.

بُعد خاصی از دین توسط امام پرده برداری می شود، جامعه به معجزه اشک، از ابهام شست و شو داده شده و به سوی طهارت دینی هدایت می شود.

امام سجاده (ع) و حضرت زینب (س) با رجز خوانی ها و حق طلبی ها توانستند شرایط را بهبود داده و همگان را از بند اسارت، رهایی ببخشند.

بعد خاصی از دین توسط امام پرده برداری می شود، جامعه به معجزه اشک، از ابهام شست و شو داده شده و به سوی طهارت دینی هدایت می شود.

امام سجاده (ع) اشک، این هدیه ی ارزشمند را به مسلمانان تقدیم می کنند.

این موهبت عظیمی است که به وسیله ی آن می توانیم به دیدار امام حی و حاضرمان نائل شویم؛ و ایشان را، برای حکومت جهانی اسلامی یاری رسانیم.

هر کردار امام، باید برایمان چراغ راهی باشد؛ اگر ما به درستی آن ها را دنبال کنیم همچو راهی هموار و مسیری روشن به سوی خدا حرکت خواهیم کرد.

می بینیم که ائمه حامی یکدیگر بودند، ای کاش ما هم بتوانیم یاری گر امام مان باشیم.

ما باید از ائمه بیاموزیم و صدای مظلوم را به گوش جهان برسانیم و از حق دفاع کنیم؛ ما باید سیرت امام حسین را الگو کرده و هرگز در مقابل شیطان زمانه تسلیم نشویم؛ و روایت های مکارانه دشمن را برملا و حقیقت را تبیین کنیم.

به حمدالله در عصر ما، زنان و مردان غیوری حضور دارند و در کوشش اند تا بتوانند قدمی در راه حمایت امام شان بردارند و در این راه از جان خود مایه می گذارند، همانند: شهدای مدافع حرم، شهدای جهاد تبیین و جنگ ۱۲ روزه (ایران و اسرائیل)، شهدای هسته ای، شهدای نظامی، شهدای علمی، خداوند همه شان را مورد لطف و رحمتش قرار دهد. و ما را موفق به یاری امام مهدی (عج) فرماید.

راضیه انوری نژاد

کارشناسی ریاضیات

تسخیر لانه جاسوسی، تجلی جهاد ابتدایی علیه استکبار جهانی

حماسه جاودان تسخیر لانه جاسوسی که در برخی مقالات اینترنتی غیرمنصف، از آن بعنوان بحران گروگان گیری در ایران و بن بست دیپلماتیکی میان ایران و ایالات متحده نام می برند، در واقع خشم مقدس و حق طلبانه و نیز عکس العملی در قبال تهاجم جبهه‌ی استکبار علیه انقلاب به شمار می رود و به مثابه نقطه عطف و مرکز ثقلی در تاریخ انقلاب اسلامی است که دست آمریکا آن شیطان بزرگ را در قلب پایتخت رو و پایش را برای همیشه از این خاک پاک قطع کرد.

امروزه در عرف سیاستی که توسط آمریکایی ها دنبال می شود، قضیه را این طور مطرح می کنند که آمریکا مثل همه کشورهای دیگر در داخل تهران سفارت خانه ای داشت و عده ای از روی بی تربیتی و بی اعتنائی به موازین بین المللی، ریختند و این سفارت خانه که خاک و خانه آمریکایی ها بود را تسخیر و دیپلمات ها را دست گیر نمودند. در حالی که طرح این قضیه به این شکل، خلاف واقع و غلط است.

اهمیت این رویداد به اندازه ای برای آمریکا و متحدان داخلی و خارجی اش سخت و سنگین بود که پس از پیگیری های روزانه و ساعتی برای آزادسازی عمال شان، به تحریف و حاشیه راندن این جریان آزادی طلبانه برآمدند و آن را پدیده ای نشئت گرفته از اختلافات سیاسی داخلی، بر اثر جنگ داخلی برای کسب قدرت، ماحصل تلاش چهره های انقلابی در تخریب جناح فکری مخالف و به حاشیه راندن آنان اظهار کردند و حتی به جهت ایجاد اختلاف در گفتمان انقلاب، آن را ابتدائاً اقدامی بدون اجازه حضرت امام خمینی (ره) خواندند اما در آخر روسیاهی برای زغال ماند و بس است.

این میوه شیرین انقلاب اسلامی و روز افتخار و پیروزی ملت مورخ ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸، توسط دانشجویانی انقلابی که خود را پیرو راستین نظام اسلام و انقلاب برمی شمردند و حضرت امام خمینی (ره) را رهبر و راهبر خود می دانستند، به منصفه ظهور پیوست.

ماحصل اقدام شجاعانه این دانشجویان پیرو خط امام، تدوین و انتشار حدود هشتاد جلد کتاب با عنوان «اسناد لانه جاسوسی» شد که همه از گزارشات و مکالمات و مکاتبات افرادی بود که در لباس و نقش سفیر،

اما در عمل جاسوسان و خراب‌کارانی بیگانه و مستقر در سفارت‌خانه آمریکا در تهران بودند که از ترس افشا و برملا شدن دشمنی‌ها و اقدامات‌شان، همان دقایق اولیه بلافاصله پس از ورود دانشجویان به آن مرکز، اقدام به از بین بردن موارد مذکور کردند که تا حدی نیز بر این امر موفق شدند. بعد از آنکه دانشجویان شجاع ما رفتند و این مرکز را تسخیر کردند و با زحمت زیاد توانستند از مدار کی که طی این چند دقیقه در دستگاه‌های خردکن خرد شده بود، جمع کنند و به هم بچسبانند و به صورت کتاب دریاورند، آن وقت معلوم شد که چه توطئه‌هایی در طول این مدت در داخل سفارت آمریکا وجود داشته است.

بلندگوهای تبلیغاتی و گفتمانی آمریکا، دشمنی‌های خودشان با ملت ایران را به مسئله‌ی سفارت منسوب می‌کنند، عده‌ای هم به تبع آنها همین را تکرار می‌کنند؛ آنها در واقع می‌خواهند ماجرا را اینگونه تفسیر و تلقین و تاریخ‌نگاری کنند، در حالی که این دروغ بزرگی بیشتر نیست. شاید بتوان شروع دشمنی او با ملت ایران و روشن‌تر شدن هویت حقیقی ایالات متحده آمریکا و شناخت ما از ذات شیطانی او را در پی کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و حتی قبل از آن دانست که آمریکایی‌ها اعتماد و سپس درخواست کمک از سمت دولت ملی مصدق به آنها که در پی حریت از استعمارهای دولت وقت انگلیس بودند را با خیانت ظالمانه و کودتای مجرمانه‌ای پاسخ دادند و دولت ملی مستقلی را که مردم شریف ایران شکل داده بودند با خباثت و دشمنی دیرینه خود به باد سرنگونی سپردند و مظهر خشم ایرانیان را در واکنش به پناه دادن شاه پهلوی را به خود متحمل کردند.

از همان روزهای اوّل بعد از پیروزی انقلاب نیز سفارت آمریکا مرکز توطئه و جاسوسی علیه ایران بوده؛ حتی در آن جا طراحی کودتا می‌شده که علیه انقلاب کودتا کنند؛ طراحی جنگ داخلی می‌شده؛ تلاش می‌کردند که در استان‌های مرزی کشور، جنگ داخلی راه بیندازند؛ طراحی می‌شده که چگونه در حکومت جدید انقلابی نفوذ کنند؛ رسانه‌های ضدّانقلاب را که در داخل بودند، مدیریت و هدایت می‌کردند؛ نوشتارها، گفتارها و شایعه‌سازی‌ها را جهت دهی و حتی برای اعمال تحریم بر کشور نیز برنامه‌ریزی می‌کردند؛ یعنی سفارت، از اوّلین روزهای شروع انقلاب، مرکز توطئه علیه کشور و علیه انقلاب بوده است.

دقت به این نکته قابل توجه است که ما از اول انقلاب به سفارت آمریکا حمله نکردیم؛ سفارت آمریکا در اوّل انقلاب وجود داشت و مشغول کارشان هم بودند، اما آنها شروع کردند در خود آمریکا قطعنامه تنظیم کردن، سخنرانی کردن، در کنگره‌شان علیه جمهوری اسلامی که تازه متولّد شده بود تصمیم‌گیری کردن، گروه تروریستی راه انداختن، گروه‌های کودتاگر را به وجود آوردن و تمهید و برنامه‌ریزی و حرکت و اقدام علیه انقلاب کردن. فلذا وقتی که آنها آغازکننده بودند، حرکت دانشجویانی نیز که به سفارت حمله کردند در حقیقت حرکتی دفاعی و به‌جا بود و البته کاملاً عقلانی است.

بنا به فرموده حضرت امام خمینی (ره) که این حرکت را انقلاب دوّم نامیدند هم موید حرکت انقلابی این جوانان شجاع و غیور است. می‌توان حرکت دانشجویان برای تسخیر سفارت را واکنشی شایسته به این همه خباثت دانست که پیروزمندانه هم اتفاق افتاد؛ یعنی جلوی تحرّک ابرقدرت پُر روی زیاده‌خواه آمریکا را در داخل کشور گرفت؛ انقلاب یعنی این. شایسته و بایسته است این اقدام را جهادی ابتدایی علیه استکبار و علامتی از فرارسیدن نوبت سربر کشیدن جبهه‌ی حق و به هم خوردن موازنه‌های استعماری و در هم شکستن هیبت و هیمنه آمریکا و بطلان تلقین‌های ده‌ها ساله آنان برای مرعوب کردن ملت‌ها برشمرد و چه بسیار این چنین عملکردهایی انقلابی که امروزه بدان نیازمند هستیم.

این حریت دانشجو و جنبش دانشجویی که ریشه در حریت تفکر اسلامی و انقلابی و نیز قدرت معنویت و اتصال قلبی آنان به درگاه الهی دارد، نمونه‌های موفق دیگری نیز در گذشته نه‌چندان دور در تاریخ انقلابی ایران اسلامی دارد و آن کنش‌گری‌های سید محمدحسین علم‌الهدی آن دانشجوی طراز انقلاب اسلامی است که زبیده است بعنوان نمونه، اقدام ایشان در هدایت دسته‌های عزاداری سید و سالار شهیدان در دوران منحوس و وابسته پهلوی که با سرباز زدن از پیروی از سنت ننگین ادای احترام به شاه آغاز شد را مجدداً در اذهان به یاد آورد و بر آن افتخار کرد.

در نهایت جا دارد این دو دغدغه مهم و قابل توجه ولی امر مسلمین حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در موضوع مذکور را یادآوری کنیم که اولاً این حادثه باید توسط جوانان و نوجوانان ما به طور کامل و ریشه‌ای فهم و درک شود و نکته دوم این گله و شکایت چندین ساله ایشان مبنی بر نبود هیچ اثری از مضامین برگزیده کتابهای مربوطه و منتشر شده در مجموعه‌ی مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌هاست و صد البته ضروری است مورد توجه، برنامه ریزی اجرایی و مورد اقدام قرار دادن این سوال و پاسخ آن، تا ملت بدانند آمریکایی‌ها در این باره چه توطئه‌هایی علیه ما به کار برده‌اند.

سید ساجدهاشمی

اسوه مقاومت

بخش سوم

می شنوی؟

خوب گوش کن

این صدا، صدای یک استقامت است

صدای یک عشق به برادر است

صدای یک مادر است

صدای عمه جانم است

از خانه علی (ع) صدای گریه نوزادی را می شنوم

شنیده ام فاطمه (س) دختر به دنیا آورده است

خداوند دختری را به این خانه ارزانی بخشیده که چراغ خانه باشد

دختری که نامش زینب (س) است

اوست که تا قیام قیامت حرف هایش نقل مجالس می چرخد

واقعه ی عاشورا را...

ملائک بروید و این مژده را به تمام جهانیان بدهید

همه باید بدانند که دیگر حسین (ع) تنهاییست

چطور است به مناسبت ولادت این بانوی بزرگوار، بیشتر با شخصیت ایشان آشنا بشویم؟

باشد که الگوی ما ایشان باشند...

بانو زینب کبری (س) «زینت پدر، میراث دار صبر و کسی است که عاشورا را جاودانه ساخت»

در منظومه ی نورانی اهل بیت (ع)، نامی همچون زینب (س) چونان خورشیدی در اوج ایستاده است؛ بانویی که

از مهد پاک علوی فاطمی، بانسیمی از دانش و تربیتی الهی پروریده شد. او نه تنها «زینت پدر» بود، بلکه

آینه ای تمام نما از فضایل پدر، علم مادر، و شجاعت برادرانش گردید؛ بانویی که تاریخ را وادار به تحسین بر

صبر، بلاغت و عظمت روحش نمود.

✧ «عالمه‌ی غیر معلّمه»؛ گنجینه‌ی علم و معرفت

پیش از آنکه میدان کربلا فرا رسد، حضرت زینب (س) در مکتبی تربیت یافت که معلمش خود سرچشمه‌ی وحی بود. ایشان را «عالمه غیر معلّمه» خواندند؛ دانشمندی که بی‌آنکه کتابی بگشاید، رازهای هستی را با الهام الهی آموخته بود. این علم، نه دانشی اکتسابی، بلکه نوری بود که مسیر زندگی‌اش را در پسِ حوادث مهیب روشن می‌ساخت. این بصیرت عمیق، به او آن شجاعت بی‌مانند را عطا کرد تا در برابر امواج ظلم، نه تنها سر خم نکند، بلکه خود به سدی استوار تبدیل شود.

✧ صبر زینبی؛ مقاومتی فراتر از تحمل

صبر حضرت زینب (س) را نباید تنها در معنای «تحمل» خلاصه کرد؛ این صبر، یک «جهاد باطنی» بود. او شاهد بود که درخت اسلام، با خون پدر، برادر و فرزندان‌ش آبیاری می‌شود. از دست دادن یک به یک عزیزان، می‌توانست هر روحی را در هم بشکنند، اما در قاموس زینبی، این مصائب نه پایان، بلکه آغاز رسالتی بزرگتر بود. او بار سنگین اسارت را بر دوش کشید، اما در برابر تازیانه‌ی ستم، قامت خم نکرد تا مبادا سلاله‌ی حسین (ع) در زنجیر اسارت فکری نیز اسیر شود. صبر او، در حقیقت، تجلی اطاعت محض از مشیت الهی بود که شهادت را پل پیروزی نهایی می‌دانست.

✧ نقش محوری در حفظ نهضت؛ راوی کربلا

حضرت زینب (س) پس از امام سجاد (ع)، تنها راوی واقعی عاشورا بودند. این روایتگری، خود یک کنش سیاسی و انقلابی بود. ایشان، با حفظ سلامت و متانت، اسناد زنده واقعه بودند. ایشان اجازه ندادند تا روایت تاریخی به دست ستمگران بیفتد و تحریف شود. این مسئولیت عظیم، یعنی حفظ امانت خون شهدا، او را در مقامی قرار داد که برخی او را به حضرت خدیجه کبری (س) تشبیه کرده‌اند؛ کسی که در سخت‌ترین لحظات، شبیه خدیجه (س) که حامی پیامبر (ص) بود، حامی نهضت امام حسین (ع) و پیام او شد.

بلاغت کوبنده؛ خطبه‌ای که کاخ ستم را لرزاند

اما اوج هنرنمایی این بانوی بزرگوار، در عرصه‌ی بلاغت متجلی شد؛ بلاغتی که از عمق جان برمی‌خاست و ریشه در فصاحت پدرش، علی (ع)، داشت. در اوج خفت و خواری اسارت، در مقابل تخت یزید، هنگامی که سکوت می‌توانست به معنای پذیرش ظلم باشد، حضرت زینب (س) با کلامی آتشین، پرده از چهره‌ی حقیقت برداشت. خطبه‌ی او، نه شکایتی زنانه، بلکه تلاوت آیاتی از عدالت بود که کاخ ستم را به لرزه درآورد. او حقیقت کربلارا با زبانی شیوا و استوار، چنان بیان کرد که تاریخ، شاهد جاوید آن مظلومیت گشت. این کلام، سلاحی بود برآتر از شمشیر، که میراث جاودان برادرش را از تحریف نجات داد.

الهام بخشی؛ نمونه کامل زن مسلمان

حضرت زینب (س) تنها یک شخصیت تاریخی نیست؛ او یک آموزگار ابدی است. الگوی او نشان می‌دهد که زن بودن، نه سدی در برابر قدرت و قضاوت، بلکه می‌تواند اوج کمال انسانی باشد. شجاعت او، ترس را از دل‌ها زدود و صبرش، معنای استقامت را در تاریخ حک کرد. او به ما آموخت که در تاریک‌ترین شب‌ها، می‌توان چراغ هدایت بود و در برابر بزرگترین قدرت‌های فاسد، کلمه‌ی حق را فریاد زد.

الگوی کامل یک زن مجاهد

حضرت زینب (س) تصویری کامل از زن مسلمان مجاهد ارائه دادند؛ زنی که می‌توانست در عین حفظ حریم و عفت (عفی‌ه)، در خط مقدم دفاع از ارزش‌های دینی بایستد. او تجسم این حقیقت است که شجاعت، تنها در میدان نبرد با شمشیر نیست، بلکه در استواری کلام، پایداری بر ایمان در زنجیر، و انتقال صادقانه‌ی حقیقت، جلوه‌گر می‌شود. میراث او، یک دعوت همیشگی است به ایستادگی در برابر ظلم، حتی اگر تمام جهان در برابر حق بایستد.

فاطمه حسینی. کارشناسی روانشناسی

